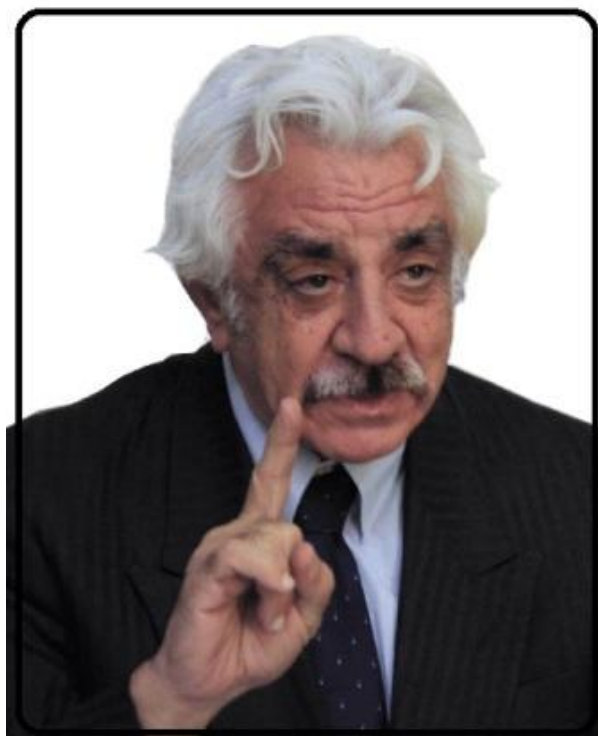


# ستاره سرخی در آسمان ایران خاموش شد اما چون شهابی همیشه فروزان است

ویژه نامه فریبرز رئیس دانا

□□□□□□ - اردشیر زارعی قنواتی



در آخرین روزهای سال 1398 خبری دردناک در کنار بسیار مصیبت ها که بر این سرزمین بلاکشیده می رود افکارعمومی ایران را دچار یک شوک کرد وقتی که صبح بیست و ششم اسفند خبر فوت دکتر "فریبرز رئیس دانا" فعال سیاسی - اجتماعی سوسیالیست و اقتصاددان حامی حقوق کارگران اعلان گردید. وضعیت سلامتی رفیق فریبرز از یک هفته قبل به دلیل سرماخوردگی و بیماری های زمینه یی قبلی شروع و سپس با وخامت حال ایشان به بیمارستان تهران پارس منتقل گردید که بعد از چهار روز بدن ایشان در مقابل بیماری ذات الریه و عفونت کلیوی ناشی از عفونت بیمارستانی توان استقامت نداشت و یکی از بزرگترین رهبران جنبش چپ ایران و حامی پیگیر حقوق کارگران جان داد. بدون تردید نوشتن و سخن گفتن از جایگاه رفیق فریبرز رئیس دانا در این شرایط

به خصوص برای رفقای وی و هر کسی که ایشان را از نزدیک می شناخت سخت و تا حدود زیادی تحت تاثیر احساس شخصی هم خواهد بود که بسیار طبیعی است. آسمان ایران در این شب های تاریک تاریخ خود یک ستاره سرخ خود را خاموش دید و جان شیفته این رفیق بزرگ و کمونیست پرشور در میان نگرانی و امید همه دوستان و رفقاییش در شرایط ویژه و موقعیت درمانی کشور بسیار غریبانه و حتی بدون امکان حضور و شرکت دوستدارانشان نه در آنجا که خود می خواست و نگذاشتند، که در زادگاه پدری وی به خاک سپرده شد. پیکری به خاک سپرده شد که در تمام طول حیات خویش از همان جوانی از خود گذشته بود و برای جامعه و زحمتکشان می زیست که واقعیت آن را می توان از میراث سیاسی - اجتماعی رفیق فریبرز با نوشته ها، سخنرانی ها، حضور فعال در همایش ها و جنبش های سیاسی، صنفی و مدنی وی به خوبی دید و تاثیر بی بدیل ایشان را بر تحولات جاری کشور درک کرد. در چنین شرایطی فعالین سیاسی و بسیاری از نیروهای سیاسی ایران در خصوص و یا بزرگداشت دکتر فریبرز رئیس دانا هر کدام با برداشت خود بسیار نوشتند یا گفتند که متأسفانه تا حدود زیادی جایگاه و واقعیت وجودی ایشان یا نادرست یا بنا بر سوبرداشت های سهوی یا عامدانه به تصویر کشیده شد که در این مطلب کوتاه سعی می شود با تاکید بر ابعاد اساسی شخصیت و جایگاه ایشان تا حدودی به این تصویر مخدوش پرداخته شود.

اول: رفیق فریبرز رئیس دانا از جوانی و دوران دانشگاه همیشه یک آرمانگرای عدالت خواه و تا آخرین لحظه حیات پربار خویش یک کمونیست پرشور و حامی سرسخت طبقه کارگر بود. ایمان و اعتقاد وی به مارکسیسم انقلابی و الزام برقراری سوسیالیسم در بدیل نظام سرمایه داری میراث نظری و پراتیک وی در زندگی بود که این را می توان از نوشته و سخنرانی های وی و هم چنین حضور و مشارک ایشان درصفت مقدم تمام تحولات و رخدادهای چند دهه اخیر به خوبی دید و اثبات کرد.

دوم: در حوزه علمی و آکادمیک همگان از مخالف تا موافق، دکتر رئیس دانا را یک اقتصاددانان سوسیالیست و مخالف سرسخت نئولیبرالیسم می شناسند اما رفیق فریبرز هرگز خود را در محدوده تنگ دانشگاهی و جایگاه آکادمیک حبس نکرد و تقریباً بسیار بیشتر از این یک پراتیسین در تمامی حوزه زیست اجتماعی و سیاسی بود که بعضاً خود مبارز و پیشقراول صف مقدم تمامی این نبردها هم بود. حضور فعال ایشان در جنبش های کارگری، دانشجویی، زنان، حقوق کودکان کار،

دفاع از زندانیان سیاسی و همراهی با خانواده های آنان، حضور در راس حرکت های مدنی برای زلزله زدگان و دیگر طبقات آسیب پذیر در مقاطع بحران و اصولاً حضور و وجود ایشان در هر جایی که نیاز بود، واقعیتی است که با زندگی فریبرز همیشه گره خورده و نسبت به دردها و آلام مردم این سرزمین و به خصوص زحمتکشان که به زعم وی ریشه در نظام طبقاتی و نظم نئولیبرالی داشت، هرگز بی تفاوت نبود.

سوم: دکتر رئیس دانا همیشه اعتقاد راسخی به اندیشه مارکسیسم انقلابی داشت و یک کمونیست بود که به خلاف تصویری که بعضی افراد سعی می کنند از وی به صورت واژگونه بسازند هرگز یک رفرمیست و تابع سوسیال دمکراسی به عنوان یک تفکر اصلاحی در مقابل مارکسیسم انقلابی نبود. نوشته ها و سخنرانی ها و حتی موضع گیری های وی در خصوص روند تحولات سیاسی - اجتماعی و رخدادهای جاری که از وی به میراث مانده است، دقیقاً این جایگاه رفیق فریبرز را به خوبی نشان می دهد.

چهارم: رفیق فریبرز تابع تفکر مارکسیستی و انقلابی خود همیشه وجهه ضدامپریالیستی خود را شفاف و قاطع دنبال می کرد و معتقد بود که امپریالیسم به عنوان یک واقعیت (همانگونه که ولادیمیر لنین در تعریف و تبیین این خصوصیت نظام سرمایه داری در دوران انحصارات و منوپولی سرمایه بیان کرده است) واقعیت عینی دارد و این را می توان از خلال مواضع وی در مخالفت ایشان در خصوص دخالت های امپریالیستی در آمریکای لاتین، جنگ های بالکان، حملات و تجاوزات امپریالیستی در منطقه از جمله افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و یم ————— ن ————— به ————— روشنایی دید.

پنجم: دکتر رئیس دانا در چارچوب همان تفکر کمونیسم و انقلابی خود یک انترناسیونالیست واقعی بود که در حوزه نظریه پردازی و کنش سیاسی خود همواره این خصوصیت و پرنسبب شخصیتی خویش را در حمایت از حقوق ملت ها و دفاع از طبقه کارگر جهانی نشان داده و نسبت به آن بسیار حساس بود.

ششم: مبارزه و مخالفت قاطع دکتر رئیس دانا علیه هرگونه وجوه دیکتاتوری و ارتجاعی در عرصه داخلی همیشه بخشی از شخصیت سیاسی وی بود که به همین دلیل بارها به زندان رفت و از بسیاری مزایای شغلی خود در دانشگاه تا به آخر عمر محروم گردید. رفیق فریبرز مبارزه با دیکتاتوری را در راستای مبارزه با امپریالیسم می دید و هرگز

به بهانه مخالفت با سیستم حاکم نگاه به هیچ قدرت خارجی و نیروی امپریالیستی نداشت. به همین دلیل وی دمکراتیزاسیون و عدالت اجتماعی را در راستای حق حاکمیت ملی و استقلال سیاسی می دید و به شدت نسبت به دو گروه مرزبندی داشت یکی آنان که تابع آمریکاستیزی حکومتی به دامن ارتجاع داخلی می غلتند و دیگر کسانی که به بهانه مبارزه با استبداد دست دوستی و همکاری با نیروهای خارجی می دهند.

هفتم: رفیق فریبرز برای موضوع استقلال سیاسی کشور اهمیت ویژه قائل بود و ضرورت تامین این مساله را کلیدواژه رشد و توسعه جامعه چه به لحاظ ساختار قدرت و چه قاعده اجتماعی برای پیاده سازی طرح ها و برنامه های مترقی می دانست. البته تاکید همیشگی ایشان بر موضوع استقلال سیاسی و هم چنین احترامی را که برای شادروان دکتر "محمد مصدق" و دولت ملی ایشان به عنوان گامی در یک مقطع تاریخی ایران که در مسیر استقلال کشور برداشته شد و توسط دیکتاتوری داخلی به کمک امپریالیسم جهانی با کودتای بیست و هشتم مرداد سرکوب شد و وی همواره به نیکی از آن یاد می کرد، بعضا موجب سو برداشت هایی شده است که این روزها در رسانه های فارسی زبان حتی از وی به عنوان یک "سوسیالیست مصدقی" سعی در چهارپردازی نادرست از ایشان شده است.

هشتم: شیوه کار سیاسی و نوع رفتار رفیق رئیس دانا یک ویژگی منحصر به فرد داشت که معمولا سعی می کرد خود را با همه گرایشات سیاسی و فعالین اجتماعی ترقیخواه و البته در چارچوب اهداف بنیادین اصل همپیوندی و الزام دمکراتیزاسیون و عدالت اجتماعی در این مقطع از تاریخ کشور نزدیک و در ارتباط قرار دهد. همین ویژگی یکی از چالش های زندگی سیاسی وی بود که بعضا مورد انتقاد بسیاری از رفقای همفکر وی هم قرار می گرفت اما همه آنان که فریبرز را از نزدیک و به خوبی می شناختند واقف بودند که این خصوصیت وی ناشی از اپورتونیست و فرصت طلبی شخصی و سیاسی نیست.

نهم: با توجه به همت و تلاش دکتر رئیس دانا برای حضور و مشارکت فعال در جنبش های مطالباتی در حوزه کار و زحمت و هم چنین سیاسی و اجتماعی، ایشان در یک پیوند ناگسستنی با نسل جوان قرار گرفت که تا آخر این مناسبات بسیار دوستانه و رفیقانه ادامه داشت. تفاوت بارز رفیق فریبرز با دیگر شخصیت های سیاسی و اجتماعی کشور تا حدود زیادی تابع این رفتار بود که وی هرگز از موضع بالا با جوانان سخن نمی گفت بلکه همیشه با برخوردی صمیمانه و تعامل آمیز طوری

رفتار می کرد که فعالین سیاسی، صنفی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی در کنار ایشان به شدت احساس راحتی می کردند. این ویژگی دکتر رئیس دانا فضیلت بزرگی بود که متأسفانه در این شرایط جامعه ایران که یک گسست بین نسلی نهادینه شده است وی توانست از چنین مناسبات تنگ و محدود کننده عبور کند.

دهم: دکتر رئیس دانا بسیار فراتر از آنچه در مورد لقب رفیق در فرهنگ سیاسی ما جا افتاده است به معنای واقعی کلمه حتی در مناسبات شخصی هم بسیار رفیق و صمیمی بود و به همین دلیل در حالی که همیشه بر سر مواضع خود سرسختانه ایستادگی می کرد و کمتر کوتاه می آمد، اما همیشه نقد پذیر و بسیار فروتن بود و این را همه کسانی که از نزدیک وی را می شناختند به عینه دیده و تجربه کرده اند.

یازدهم: دکتر رئیس دانا چه در حوزه تخصص و دانش آکادمیک خود و چه در مورد تجربه کار سیاسی - اجتماعی خویش همیشه یک "پژوهشگر" بود و تنها به نظریه پردازی بسنده نمی کرد. دو حوزه شاخص پژوهش های وی در خصوص "مدیریت شهری" بود که حتی ریزترین نکات را هم در نظر می گرفت (چنانچه در طی یک گفتگو آن چنان با ظرافت از شیوه خانه سازی متخصصین شوروی برای کارگران و کارمندان ذوب آهن اصفهان و رعایت حقوق زیستی ساکنین خانه شرح می داد که اشراف وی بر موضوع شگفت انگیز بود) و دیگری هم کارهای پژوهشی وی در عرصه شناخت و درک عینی از جنبش کارگری و تلاش وی برای انتقال دستاوردهای چنین پژوهش هایی به درون طبقه کارگر و تفهیم فعالین کارگری بود.

دوازدهم: شاید یکی از موضوعات چالش برانگیزی که باید در خصوص رفیق فریبرز به آن پرداخت تاکید وی بر استقلال عمل در حوزه کار سیاسی - اجتماعی بود که معمولا همیشه در مورد خود بر آن تاکید می کرد و به همین دلیل بعضا در موضع نقد قدرت بدون هیچ ارتباط سازمانی و حزبی هم عمل می کرد. این ویژگی رفیق فریبرز هر چند که می توان موافق یا مخالف آن بود اما به زعم وی ناشی از این برداشت بود که در شرایط ایران که کار حزبی در محیط دمکراتیک امکان پذیر نیست و به همین دلیل امتال وی می توانند در جایگاه مستقل تاثیرگذاری بیشتری داشته باشند، حداقل برای شخصیت های شناخته شده یی چون ایشان تا حدود زادی قابل توجیه است. ولی این نگاه دکتر رئیس دانا هرگز در نفی کار جمعی و سازمانی نبود و به همین دلیل

خط‌کشی و مرزبندی بین شیوه کار مستقل وی به عنوان یک فعال سیاسی، اجتماعی، صنفی و فرهنگی مارکسیست انقلابی با ضرورت و الزام کار حزبی با توجه به شناختی که از رفیق فریبرز وجود دارد می‌تواند یک تصویر گمراه‌کننده از وی ترسیم کند.

در مورد دکتر فریبرز رئیس‌دانا بسیار می‌توان نوشت و گفت و ابعاد از شخصیت و جایگاه وی را تشریح کرد اما در همین حد معرفی به اختصار و محدود با رجوع به میراث فکری و عملی وی می‌توان به همین مختصر هم بسنده کرد. البته در فرصت مناسب دوستان و رفقای فریبرز که در تمام این سال‌ها هم‌رزم و هم‌گام وی بوده‌اند می‌بایست درخصوص رفیق فریبرز بیشتر بنویسند و چهره واقعی و جایگاه والای وی را در عرصه تحولات نیم‌قرن اخیر برای افکار عمومی و برای ثبت در تاریخ معاصر ایران تبیین و تعیین کنند. اما آنچه در مورد فریبرز رئیس‌دانا اهمیت دارد اینکه می‌بایست برای نگاه و شناخت وی به کتاب‌ها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی وی توجه کرد نه اینکه با استناد به یک برخورد در یک جمع دوستانه یا دیدارهای مناسبی که ناشی از جو و فضای آن دیدار یا نشست است با یک برش کوتاه از یک اظهارنظر وی بخواهند در مقام قضاوت و داوری در خصوص معرفی شخصیت وی به خطا برآیند. با افسوس بسیار مردم، طبقه کارگر و جنبش چپ ایران یک اندیشمند بزرگ، یک مدافع پرشور و یک رفیق کبیر را در زمانی از دست دادند که به دلیل شرایط کنونی وجود وی می‌توانست بیش از همیشه بر تحولات شتابنده کنونی تاثیرگذار باشد. بدرود رفیق بزرگ کارگران و زحمتکشان ... بدرود.